



گفت‌وگو با «محمد رضا مودودی» رییس خانه ترویج تجارت جهانی

## استراتژی‌های نزدیک به خطر!

منحنی تجارت خارجی ایران سال‌هاست که به سربالایی تندی رسیده؛ به طوری که به نظر می‌رسد شیب این مسیر آن را از نفس انداخته و قریب یک دهه است که دیگر رشد آماری آن متوقف شده و توان رکورد زنی گذشته را از دست داده است! به شهادت آمارهای رسمی، صادرات غیرنفتی سال‌هاست که در پشت سد ۵۰ میلیارد دلار متوقف مانده و علی‌رغم تمام شعارها و برنامه‌ها، توان شکستن و گذر از این سد را ندارد. گرچه در آغاز کار هر دولتی، وزیران تازه‌نفس با شور و حرارت سخن از افق صادراتی ۱۰۰ میلیارد دلاری و بیشتر می‌گویند و امیدوارانه طرح‌های آرمانی خود را به مجلس نمایندگان ارائه می‌دهند تا رأی اعتماد بگیرند، اما گذر زمان خیلی زود گرمای احساسات و هیجان‌شان را فرو می‌مکد و آن‌ها را ناگزیر به پذیرش واقعیت تلخ و سرمای استخوان‌سوز «ناآوانی» تسلیم می‌کند؛ تجربه‌ای که البته در تمام بخش‌ها و حوزه‌ها متداول است، اما در بخش تجارت خارجی بسیار پُررنگ‌تر و عینی‌تر! در دولت سیزدهم نیز که کنترل قیمت‌ها، تنظیم بازار، مهار تورم، حفظ ارزش پول ملی، کنترل نقدینگی، ساماندهی بورس و بازار سرمایه، تولید ۴ میلیون مسکن و صادرات یک میلیون خودروی ساخت داخل و لوازم خانگی و واردات خودروهای خارجی با هدف ارزان‌سازی خودرو، شعارهای داغ روزهای نخست حکمرانی اقتصادی دولت‌مردان بود، به تدریج مثل آمارهای رشد و توسعه اقتصادی کم‌رنگ و بی‌رملق شدند و این دولت نیز به مرور مبتلا به همان روزمرگی فرساینده‌ای شد که ساختار دولت دهه‌هاست دچار آن است!

محمد رضا مودودی، سرپرست سابق سازمان توسعه تجارت ایران و رییس فعلی خانه ترویج تجارت جهانی اما نکته دردناک‌تر از این می‌داند که با اینکه راه‌حل بسیاری از معضلات اقتصادی و مشکلات معیشتی که همه در آغاز برایش نسخه‌های جادویی می‌پیچند، در روان‌سازی و تسهیل فضای تجارت داخلی و تنش‌زدایی بین‌المللی است؛ با این وجود کمتر کسی که سکان مدیریت دستگاه‌های اجرایی اقتصادی را در دست دارد به این درک و بینش رسیده و هنوز و همچنان دولت‌مردان گمان می‌کنند که با پول‌پاشی و کنترل دستوری قیمت‌ها و برخورد قهری با بازار می‌توانند مهار تورم و بیکاری و رکود را به دست گرفته و اقتصادی پویا را محقق سازند و علی‌رغم نتایج تلخ و تجربیات ناموفق، همچنان اصرار بر یافتن راه‌حلهایی به‌جز آنچه علم می‌گوید و به تجربه هم در دنیا ثابت شده، دارند!

این گفت‌وگو با هدف تحلیل وضعیت تجاری کشور در حال حاضر و افق پیش‌رو و ارزیابی نقاط ضعف و قوت ساختار تولید و نظام بازرگانی ایران در دهه‌ای که گذشته، انجام گرفته است.



داده‌اند، اما ارزش صادرات غیرنفتی ایران به این ۵ کشور در طول یک دهه گذشته از ۱۲ میلیارد دلار و در مجموع به کل همسایگان از ۲۵ میلیارد دلار فراتر نرفته است، دلیل دوم شاید این باشد که یارانه‌ای بودن مواد اولیه بسیاری از محصولات صادراتی در سال‌های اخیر باعث نفوذ در بازارهای منطقه بوده و با حذف تدریجی یارانه‌های پنهان عملاً توجیه صادراتی محصولات نهایی کاهش پیدا کرده و جای آن‌ها را خام‌فروشی گرفته است. متأسفانه در طول سال‌های طلایی گذشته که درآمد سرشار ارزی نصیب کشور شده بود، ما نتوانستیم تکنولوژی و دانش فنی و مدیریت روز دنیا را به خدمت بگیریم و این فرصت مغتنم را از دست دادیم و امروز سهم محصولات با فناوری بالا در سید صادراتی ما بسیار ناچیز است و ایران در این زمینه تقریباً حرفی برای گفتن ندارد. چرا که غالب محصولات صادراتی ما یا محصولات کشاورزی و سنتی هستند و یا محصولات صنعتی با فناوری پائین و یا متوسط؛ و این در حالی است که برای افزایش ارزش و تنوع‌بخشی به سید صادراتی کشور ما نیازمند سرمایه‌گذاری فناورانه در تولید با مقیاس بین‌المللی و تکمیل زیرساخت‌های لازم برای افزایش حجم تبادلات هستیم.

به همسایگان در حدود ۲۵ میلیارد دلار است که تقریباً ۵۵ درصد کل صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل می‌دهد و این میزان تقریباً ۲،۵ درصد از کل واردات سالانه هزار میلیارد دلاری است که همسایگان از دنیا دارند؛ به عبارت دیگر حتی شعارها و تمرکز دولت‌ها بر افزایش سهم از بازار همسایگان نیز در عمل منجر به افزایش ارزشی صادرات به کشورهای همجوار نشده و اساساً اگر کشورهای مقصد نیز متقاضی باشند، در کشور ما امکان و زیرساخت لازم برای توسعه صادرات بیش از این میزان فعلی فراهم نیست!

♦♦ دلیل عدم توفیق ما در راهبرد تجارت با همسایگان چیست؟ و اگر پذیرش و ظرفیت در همسایگان ما وجود دارد پس چرا تاکنون به کار گرفته نشده و برنامه‌های مشخص دولت برای گسترش نفوذ صادراتی

در این بازارها موفق نبوده است؟

چندین دلیل مهم دارد: اولاً اینکه گرچه ارزش واردات همسایگان، ما از دنیا سالانه حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار است و ۵ کشور امارات، ترکیه، روسیه، عربستان و پاکستان بیش از ۸۰ درصد یعنی بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار از این مقدار را به خود اختصاص

در دولت سیزدهم نیز که کنترل قیمت‌ها، تنظیم بازار، مهار تورم، حفظ ارزش پول ملی، کنترل نقدینگی، ساماندهی بورس و بازار سرمایه، تولید ۴ میلیون مسکن و صادرات یک میلیون خودروی ساخت داخل و لوازم خانگی و واردات خودروهای خارجی با هدف ارزان‌سازی خودرو، شعارهای داغ روزهای نخست حکمرانی اقتصادی دولتمردان بود، به تدریج مثل آمارهای رشد و توسعه اقتصادی کم‌رنگ و بی‌رسم شدند و این دولت نیز به مرور مبتلا به همان روزمرگی فرساینده‌ای شد که ساختار دولت دهه هاست دچار آن است!

♦♦ ما امروز شاهد پدیده رکود نه فقط در بخش تولید و بازرگانی داخلی، بلکه در حوزه تجارت خارجی نیز هستیم و سال‌هاست که به نظر می‌رسد آمار تجارت خارجی کشور طلسم شده و نمی‌تواند رشد چشمگیر دهه ۸۰ را تجربه و تکرار کند. به نظر شما مشکل چیست؟

بله متأسفانه تجارت خارجی ما از آغاز دهه ۹۰ تا به امروز دچار یک ایستایی و توقف شده که بعید به نظر می‌رسد ما دوباره به دوران طلایی رشد منحنی صادرات غیرنفتی دهه ۸۰ برگردیم و گرچه چند سالی است که مسئولان اجرایی کشور راهکار توسعه صادرات به همسایگان را به‌عنوان ابزار مؤثر توسعه صادرات مطرح کرده‌اند، اما این شعار هم در حد حرف باقی مانده و سهم ایران همچنان در حدود ۲ درصد از کل سبد وارداتی همسایگان از دنیاست و واقعیت این است که تحقق این شعار یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین اقدامات برای نظام تجاری ایران است.

♦♦ چرا؟

نخست به آن دلیل که در مجموع ۵ کشور نخست مقصد صادراتی ایران بیش از ۷۵ درصد محصولات صادراتی ما را جذب می‌کنند؛ در حالی که این رقم در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و به‌طور مشخص در سال ۸۷ نزدیک به ۴۵ درصد بود و معنای آن تنوع بهتر و بیشتر بازارهای صادراتی ایران در آن سال‌ها نسبت به امروز است؛ به عبارت دیگر جغرافیای صادراتی ایران هر روز در حال کوچک‌تر شدن است و گرچه این ۵ کشور از ظرفیت بسیار بالایی در تجارت برخوردارند، اما این به معنای وابستگی بیشتر تجارت ما به یک تعداد محدودی از کشورهاست که رقابت در آن بازارها هم بسیار سخت و حرفه‌ای است.

سهم همسایگان نیز علیرغم ظرفیت بالای وارداتی که دارند، از محصولات ایرانی متناسب با جایگاه همسایگی نیست و در حال حاضر ارزش صادرات غیرنفتی ایران





### ◆ اگر چنانچه این سرمایه‌گذاری صورت می‌گرفت، وضعیت صادرات ما چقدر تغییر می‌کرد؟

بر اساس آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی و مراجع رسمی ما در طول بیش از نیم قرن گذشته بیش از ۳۰۰۰ میلیارد دلار انواع درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت و کالا و خدمات داشته‌ایم و بر اساس برخی برآوردهای بین‌المللی به ازای هر واحد سرمایه‌گذاری صادراتی یعنی سرمایه‌گذاری در صنایع رقابت‌پذیر که موجب تولید محصولاتی می‌شود دو واحد به ارزش سبد صادراتی کشور اضافه می‌کند. حالا فرض کنید ما در طول نیم قرن گذشته فقط ۱۰ درصد این منابع ارزی را صرف سرمایه‌گذاری در مگا پروژه‌های صادراتی می‌کردیم، در این صورت امروز ما هم مثل عربستان، ترکیه و امارات، صادراتی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار می‌داشتیم و با این حجم از صادرات، بازارهای هدف ما نیز به مراتب بیش از این تعداد فعلی می‌بود.

### ◆ اتحادیه‌های اقتصادی اخیر نظیر عضویت در پیمان شانگهای یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا و یا بریکس چقدر می‌تواند ما را به ریل اصلی تجارت خارجی برگرداند؟

گرچه من با کلیت چنین توافقی‌ها و پیمان‌هایی موافقم و آن‌ها را قدمی مثبت، لازم و مؤثر در امر تجارت خارجی می‌دانم، اما بعید می‌دانم که فقط عضویت در چنین پیمان‌هایی به تنهایی بتواند به بهبود آمارهای تجاری بینجامد؛ این‌ها برای شفاف و تبلیغات خوبند، اما مادام که ما برنامه راهبردی و دقیقی برای ارتقای توان تجاری خودمان نداشته باشیم، اتفاقاً این پیمان‌ها می‌توانند زمینه‌ساز واردات بیشتر به کشور شوند و تراز تجاری ما را از آنچه هست منفی‌تر کنند، کما اینکه تراز تجاری همین ۷ ماه گذشته بیش از ۷،۵ میلیارد دلار شده و نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی ما از واردات عقب افتاده و این در حالی است که ما در دولت یازدهم دو بار تراز تجاری‌مان مثبت شد.

### ◆ البته تحریم‌ها هم عامل مضعفی برای تضعیف تجارت خارجی بوده است.

قطعاً همین‌طور است. تحریم‌ها گرچه برای مافیای واردات کشور یک نعمت و فرصت طلایی تلقی می‌شود و آن‌ها بیش از هر کس دیگری خواهان تنش و ادامه تحریم‌ها هستند و اگر رشد نقدینگی در کشور از حد شمارش و تصور هم خارج شده، دلیل آن همین فساد است که دارد بنیان‌های اقتصادی ما را از درون می‌خورد؛ اما واقعیت انکارناپذیر این است که تحریم‌ها بخش آشکارای جنگ تجاری است و سبب تجاری ما را محدود به صادرات مواد خام و واردات مصنوعات مصرفی کرده است و نه فقط مانع جذب سرمایه خارجی و جلب شریک بین‌المللی شده، بلکه حتی باعث فرار سرمایه داخلی هم شده و ما شاهد مهاجرت نخبگان و خروج سالانه میلیاردها دلار از کشور هستیم که این منابع ارزشمند می‌توانستند در خدمت تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد باشند.

آثار تحریم‌ها برای ایران بسیار گران و غلبه بر تبعات آن‌ها بسیار زمان‌بر خواهد بود؛ از قطع ارتباط با بسیاری از کشورهای صاحب فناوری و دانش فنی گرفته که ما را ناگزیر به استفاده از منابع دست‌چندم و سطح پایین کرده تا محدودیت شدید در مبادلات مالی و بانکی (به دلیل عدم عضویت در FATF و بسته شدن سوئیفت) و به تبع آن افزایش ریسک و هزینه‌های مبادله؛ از ایجاد محدودیت در منابع و در نتیجه افزایش قیمت و افت کیفیت محصولات و محدودیت در تعامل با بازارهای صادراتی و در نتیجه کاهش حجم و تنوع صادرات و کوچک شدن اقتصاد کشور به دلیل محدودیت‌های تجارت خارجی گرفته تا افت شدید در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و منابع فاینانس و به تبع آن کاهش جغرافیای صادراتی کشور و همچنین ایجاد موانع برای حضور شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی در بازارهای خارجی و بالاخره عدم توجه به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نرم و سخت تجاری...

### ◆ سهم سیاست‌های ارزی در کند شدن سرعت صادرات در این سال‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟!

قطعاً نمره بانک مرکزی و سیاست‌گذاران ارزی دولت در این سال‌ها نمره قابل قبولی نبوده و نیست. متأسفانه برای تجارت خارجی کسانی سیاست‌گذاری می‌کنند که خودشان درک زیادی از تجارت ندارند و منافع‌شان هم به این سیاست‌ها گره نخورده و اتفاقاً سیاست‌های ارزی سال‌های نخست تحریم‌ها سفره مفسدان اقتصادی را بسیار رنگین کرد، اما اهدافی که دولت شعارش را می‌داد هیچ‌گاه محقق نشد! شعارهایی نظیر حفظ ارزش پول ملی، توزیع عادلانه یارانه‌ها، ایجاد اشتغال، افزایش صادرات غیرنفتی و مبارزه با فساد و رانت! امروز ما شاهد کاهش ارزش نزدیک به ۲۰ هزار برابری ارزش پول ملی نسبت به اول انقلاب، افت شدید شاخص‌های کلان اقتصادی، کاهش صادرات محصولات با ارزش افزوده

تحریم‌ها گرچه برای مافیای واردات کشور یک نعمت و فرصت طلایی تلقی می‌شود و آن‌ها بیش از هر کس دیگری خواهان تنش و ادامه تحریم‌ها هستند و اگر رشد نقدینگی در کشور از حد شمارش و تصور هم خارج شده، دلیل آن همین فساد است که دارد بنیان‌های اقتصادی ما را از درون می‌خورد؛ اما واقعیت انکارناپذیر این است که تحریم‌ها بخش آشکارای جنگ تجاری است و سبب تجاری ما را محدود به صادرات مواد خام و واردات مصنوعات مصرفی کرده است و نه فقط مانع جذب سرمایه خارجی و جلب شریک بین‌المللی شده، بلکه حتی باعث فرار سرمایه داخلی هم شده و ما شاهد مهاجرت نخبگان و خروج سالانه میلیاردها دلار از کشور هستیم که این منابع ارزشمند می‌توانستند در خدمت تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد باشند.



و اتکا نکند، بعید است که ما شاهد بهبود شاخص‌های اقتصادی و تجاری در کشور باشیم و احتمالاً وضعیت بیش از امروز رو به وخامت نیز بگذارد.

به نظر من تنها راهکار، سپردن اوضاع به دست افراد کاردان و باتجربه است که امتحان خود را پس داده‌اند و البته این برای مدیران رانتی تهدیدی جدی محسوب می‌شود که مانع از تحقق آن می‌شوند، اما گمان من این است که اگر این اصلاحات صورت نپذیرد، ما به زودی وارد گرداب ابربحران‌هایی می‌شویم که دیگر از دست کاردان‌ها هم کاری بر نمی‌آید.

تا امروز که سیاست‌ها و گزینش مدیران هم‌جهت با نصایح کارشناسان و خبرگان اقتصادی و هم‌راستای با فریادهای فعالان شناسنامه‌دار تجاری نبوده و دایره مدیریت در کشور از هر زمان دیگری تنگ‌تر شده است، ولی امیدواریم ضربه‌های پتک واقعیت که بر سندان جامعه نواخته می‌شود، بالاخره مصلحان کشور را مجبور کند که خطر را درک کرده و برای اصلاح پا پیش بگذارند، اما هرچه دیرتر این زنگ خطر شنیده شود، امکان بازگرداندن این قطار از ریل خارج شده به مسیر اصلیش سخت‌تر خواهد شد. ♦♦

اقتصادی و تجاری کشور ناچیز باشد و مدیران دولتی منتخب درک درستی از مبانی اقتصاد و تجارت و تعاملات جهانی و مشاوره با فعالان اقتصادی باتجربه را نداشته باشند و نگاه پوپولیستی و عوام‌فریبانه در ادبیات و پارادایم ذهنی مدیران دولتی غالب باشد و مادام که فکر کنند که فقط دولت می‌تواند نسخه نجات‌بخش درمان درد اقتصاد کشور را بیچد و به بخش خصوصی واقعی اعتماد

امروز ما شاهد کاهش ارزش نزدیک به ۲۰ هزار برابری ارزش پول ملی نسبت به اول انقلاب، افت شدید شاخص‌های کلان اقتصادی، کاهش صادرات محصولات با ارزش افزوده بیشتر، افزایش بیکاری و بدتر شدن شاخص فلاکت در کشور و در عین حال عدم توفیق بانک مرکزی در برگشت ارز حاصل از صادرات هستیم. با این وجود هنوز هم بانک مرکزی و ساختار حکمرانی اقتصادی کشور به ادامه راهبرد ناموفق خود اصرار دارد و نگران ناامیدی فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار و برندهای برتر تجاری کشور نیست.

بیشتر، افزایش بیکاری و بدتر شدن شاخص فلاکت در کشور و در عین حال عدم توفیق بانک مرکزی در برگشت ارز حاصل از صادرات هستیم. با این وجود هنوز هم بانک مرکزی و ساختار حکمرانی اقتصادی کشور به ادامه راهبرد ناموفق خود اصرار دارد و نگران ناامیدی فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار و برندهای برتر تجاری کشور نیست.

امروزه گمرک به بهانه تحریم‌ها از انتشار اطلاعات صادرکنندگان خودداری می‌کند، ولی دلیل اصلی به گمان من آن است که نمی‌خواهد اعلام کند که جای صادرکنندگان شناسنامه‌دار و قدیمی را کارتهای اجاره‌ای گرفته‌اند و امروز بیشتر تجارت توسط افرادی صورت می‌گیرد که سابقه‌ای در صادرات نداشته و با این سیاست‌های ارزی ناگهان مثل قاچ در زمین تجارت خارجی کشور پدیدار شدند.

#### ♦♦ و به‌عنوان سؤال آخر، چقدر می‌توان به آینده تجاری کشور امیدوار بود؟

امید واژه‌ای است که سیاست‌گذاران اقتصادی در رگ‌های جامعه و فعالان اقتصادی تزریق می‌کنند. مادام که سهم مشورت و مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌ها و سیاست‌های